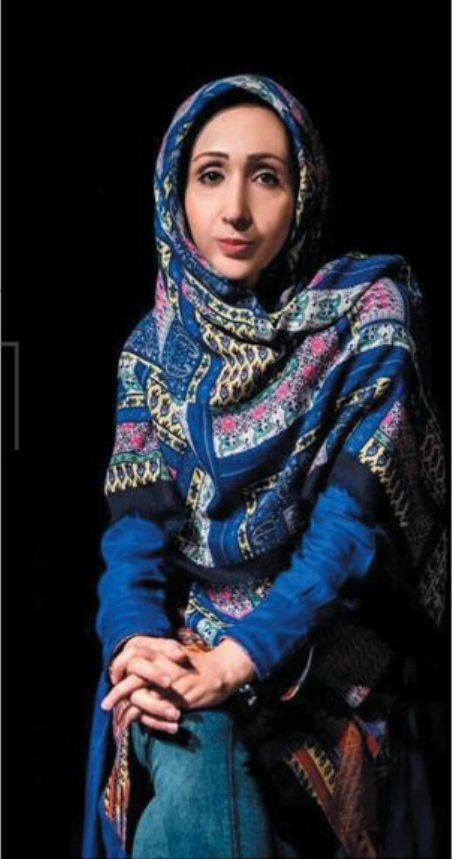




لیلا روغنیگر قزوینی سال و **قرن جدید را با چندین موفقیت در عرصه نوشتن آغاز کرده** است و **نمایش پیش از این هم با کسب رتبه‌های برتر در جشنواره‌های مختلف شنیده شده او سال هاست، در زمینه نوشتن نمایشنامه، داستان و فیلمنامه فعالیت می‌کند. در اسفندماه گذشته نیز کتابش منتشر شد، اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی است.**

فاطمه شریف نژاد

- نوشتن رو از کی شروع کردی؟**

اینکه واقعا از کی شروع به نوشتن کردم شاید جواب سر راستی نداشته باشد و اینکه یک نفر می‌گوید از بچگی شروع کرده حرف درستی است.

مثلاً من پنجم ابتدایی همیشه کتاب‌های ادبیات خواهرم را می‌خواندم و کامل می‌فهمیدم چه می‌گوید. حتی شعر ساحل غم را یادم هست. در همان سال من متنی را سر صف خواندم که نوشته

موازش

بررسی منظر شهری قزوین و آشفته‌گی‌های تصویری؛

روزی روزگاری شهری که باید زیبا می‌شد

بی‌سبب نیست که بعضی بناها، شهرها و فضاهای شهری حالمان را سرشار می‌کنند سرشار از شوق، سرخوشی و قرار. در تمام این فضاها، بناها و شهرها نوعی هماهنگی، توازن و اصالت مستر است. مثل بلوار کازینو رامسر، میدان نقش جهان اصفهان، خیابان ولی‌عصر(عج) تهران -پیش از آنکه آن چهارپایه پیر را قطع کنند- و مثل بازارچه کوچک خلخال یا خیابان ورودی فومن.

آنچه وجه مشترک این فضاهاست و شهروندان بی‌گمان خواهان آن هستند با یک مراقبت و حفظ

استاندارهای شهرنشینی و شناخت از ابعادزیبایی‌شناسی شهری اتفاق افتاده است.

نخستین گزاره‌ای که پس از ورودبه قزوین به ذهن می‌رسد چیست؟ شهری که داعیه‌دار یکجانشینی باقدست ۹هزار ساله است. با آثار تاریخی ویژه که در یونسکو ثبت شده‌است، با طبیعتی قابل تحسین که در میان شهر خودنمایی می‌کند.داسته است که شهرهابر ساخته‌از مردمان خود هستند، آنچه را می‌پسندند و ارزشمند می‌دانند. منظر شهری قزوین سرشار از ناهماهنگی و آشفته‌گی است. حال و روزش خوب نیست. هر کسی وسه‌ای بر صورتش انداخته و زخمی، که چهره‌اش را نازیا و بمبار کرده‌است. اتفاقی که شهرودیان به آن عادت کردند و امری معمول می‌پندارند؛ ولی اگر غریبه‌ای باشیم که به این شهر می‌آییم متوجه این همه آشفته‌گی خواهیم شد و تاثیری که هرروژه از تماشای آن نصیبمان می‌کند خراشی است بر روح ما که به عصیت و خشممان منجر می‌شود.

فرید سال‌هاست در ایران نبوده تصورش از شهر به اوایل دهه ۵۰بازمی‌گردد، حالا پس از دو دهه به شهرش بازگشته تا در مراسم سوگ مادرش حضور داشته باشد. در بدو ورود شگفت‌زده شده‌است: از میدان ورودی که وارد قزوین شدم اینکه پس از این سال‌ها شهر را می‌دیدم نمی‌توانستم هیچ‌المانی را پیدا کنم که مرا به گذشته پیوند بزند خیلی تمگین شدم.از همان ورودی با کلی پرچم و شعار و تابلوهای تبلیغاتی روبه رو شدم که دل‌آشوب می‌آورد. باغ‌زبای حکم‌آباد خراب شده‌بود و به جایش برجی نیمه کاره وسط می‌هایشان ساخته‌اند. تابلوهای آرایشگاه‌های زنان در همه خیابان‌ها خیلی عجیب است انگار هر کس هر کاری بخواهد می‌کند و هیچ قانونی وجود ندارد. امین علی‌نیا رئیس انجمن توسعه هنرهای تجسمی استان قزوین این موقعیت را ابتدا از منظر مردم ارزایی می‌کند: نقطه نخست این موضوع مردم و شهروندان هستند. اگر شهری نامرتب، آشفته و نازیا به نظر می‌رسد باید از ساکنان و شهروندانش سراغ چرای آن را گرفت. به زعم من شاید قزوین برای شهروندانِ دیگر شهری دوست‌داشتنی نیست، شاید از زندگی در این شهر و قدم‌زدن در خیابان‌ها و محلات و کوچه‌هایش لذتی نمی‌برند که در حفظ و حیانت‌از منظر و چهره‌اش کوشانینند.

چاپ: موسسه ایران چاپ

آدرس: قزوین، خیابان آیت‌الله کاشانی (باغ‌دیر)، کوچه آزاد، پلاک ۲، هفته نامه پیام نیا هم‌شهر.

شماره تماس: ۳۳۳۱۲۴۱ شماره: ۳۳۳۱۲۴۲

وب سایت: payameshahr.qazvin.ir پست الکترونیکی: payamshahr98@gmail.com

■ استفاده از مطالب و عکس‌های نشریه با ذکر منابع است.

گفت‌وگو با نویسنده کتاب «خیابان پاستور دریاچه عمیق...»

نوشتن، شغل تمام‌وقت من

خودم بود. دوران راهنمایی نوشته‌هایم را به دبیر ادبیاتم دادم تا بخواند اولین جایزه نویسندگی را سوم راهنمایی گرفتم. آن وقت‌ها کانون بود و من آنجا رتبه آوردم. الان یادم نیست چندم شدم. تا دبیرستان هم ادامه پیدا کرد. حالا کمی شرایط فرق کرده بود، مسئول امور فرهنگی مدرسه از مادرم خواست تا حتما اسمم را در کلاس‌های نویسندگی بنویسد. در آن دوران هم جایزه نویسندگی گرفتم . بعد هم نوشتن تا دانشگاه ادامه پیدا کرد. به نظم رشته تاریخ کمک کرد تا ذهن تحلیلی‌گری پیدا کنم. من به شدت در زدن تست ضعیفم؛ اما می‌توانم یک کتاب را خلاصه کنم . برای همین وقتی الان می‌خواهم بنویسم، از اینکه بخواهم برای شخصیت‌هایم شناسنامه درست کنم و تحلیلی از فکر و عقایدشون داشته باشم، خسته نمی‌شوم.

- چطور شد که نویسنده شدی؟**

شاید هیچ وقت نتوانم به این سوال توضیح دقیق و کاملی بدهم. از بچگی به دیدن فیلم علاقه داشتم. با اعضای خانواده، سینما می‌رفتم، یاد آن صف‌های طولانی سینما ملت بخیر. بلیط سینما ۵۰ تومان بود، بعد شد ۷۰تومن. ولی باز صف بود. از همون موقع جذب این پرده نقره‌ای شده بودم.

به‌نظرم، شرایطی که در آن بزرگ شدم، کتاب‌هایی که می‌خواندم، البته آن موقع‌ها وقتی می‌توانستی عضو کتابخانه بشوی که ۱۵ ساله بودی. در کتابخانه‌خانه، کتاب پیرمرد و دریا را داشتیم، از فاکتسر کتاب داشتیم، بدون اینکه اون موقع این نویسنده‌ها را بشناسم. ریکا، سبنوه پز شک

- به تازگی اولین کتابت رو منتشر کردی در موردش بیشتر توضیح بده.**

کتاب «خیابان پاستور دریاچه عمیق...» دومین کتاب مستقلم بعد از نمایشنامه «فریاد زیر آب» است. مجموعه داستان «اسم لیلی آرام» و مجموعه نمایشنامه «تو شبیه خودت هستی» هم زیر چاپ است. داستان‌ها و نمایشنامه‌هایم در کتاب‌های مختلف به همراه نویسندگان دیگر چاپ شده‌است. علاقه‌ام به تاریخ قابل کتمان نیست. به‌نظرم کاخ سعدآباد به عنوان مکانی که تاریخ زیادی را پشت سرش گذاشته و تا امروز شاهد وقایع زیادی بود و از آن مکان‌هاست که هر کس قدم در آن گذاشته،

شهر فرهنگی هم باشد پتانسیل‌های لازم را دارد؛ اما به یک شهر مصرفی با گرایش‌های ارزش‌گذاری روی ظواهر و تناکگی تبدیل شده‌است که عوامل متفاوتی در این امر دخیل است. وقتی تابلوی سالن زیبایی ۱۰ برابر تابلوی یک مطب پزشکی متخصص است نشان می‌دهد ارزش‌ها جابه‌جا شده‌اند. مردم به زیبایی ظاهر اهمیت می‌دهند هرچند نمی‌توانند از قبل آن به آرامشی هم دست پیدا کنند برای همین است که شما در قزوین با پدیده تابلوهای بزرگ سالن‌های زیبایی زنان مواجه‌هستید و تبلیغات گستره، که نشان می‌دهد گردش مالی بالایی هم دارند ولی تابلوی مطب یک پزشک متخصص که سال‌های زیادی را باید در محیط دانشگاهی تحصیل کند و با ممارست به جایگاه اجتماعی برسد و فشنل تماما خدمت‌رسانی به انسان است این همه کوچک.

- بنابراین نظر آیا مردم شهرشان را دوست ندازند؟ پوششی که ابعاد زیادی دارد.**
علی‌شهروند قزوینی معتقد است: من شهرم را دوست دارم اما ظاهرا کسانی که به این شهر مهاجرت کردند و زندگی‌شان در این شهر و با امکانات اینجا پیش می‌رود چندان در قید و بند پیشرفت شهر نیستند. وطن‌شان را جای دیگری می‌دانند و بی تفاوت از کنار شهری گذرند.

مجید کاظمی مدرس و تصویرگر، محیط شهری قزوین را یک محیط بسیار اصیل، همراه با پتانسیل بی‌نظیر شهری و تاریخی و جغرافیایی... می‌داند که در کنار اینهت تاریخی و جغرافیایی‌اش سرشار از کلیسئین اشکالات و مشکلات است. «محیط شهری» خود یک مبحث است و «منظر شهری» یک مسئله و «المان‌ها» و «مجسمه‌سازی» و «هنر شهری» نیز داستان خاص خودشان را دارند. سرچشمه مشکلات هم این نیست که قاعده‌ها یا قوانین شهری حاکم نیست، بلکه مشکل از آنجا ناشی می‌شود که روند پیشرفت در مدیریت و فرهنگ و هنر و منظر شهری یکسان و بر پایه‌ی اهداف کلان نیست.

این هنرمند در ادامه می‌گوید: چرا این بحث را مطرح می‌کنم؟ چون هنر و فرهنگ و منظر شهری مهم از سلاقی مختلف است و این سلاقی در کنار هم زیاست. اگر نگاهی به منظر شهری شهرهای داخل و خارج از کشور بباندازیم بی‌اندازه مثال وجود دارد که به ما توضیح می‌دهد روند سیاست‌های شهری می‌تواند زندگی کردن را برای شهروندانِش راحت کند و همچنین نمونهای برای جذب گردشگر شود. به‌طور مثال سیستم اتوبوس‌رانی قزوین همواره در کشور جای مثال و تقدیر داشته‌است. بیشتر گردشگران به تمیزی و نظافت شهر قزوین اذعان داشته‌اند. یک تحلیل‌گر اجتماعی معتقد است: وقتی اولویت‌ها تغییر می‌کند، مسلمان‌در منظر شهری و گرایش مردم هم تاثیر گذار است. قزوین شهر ثروتمندی است می‌تواند

هفته نامه اطلاع رسانی شهرداری قزوین

صاحب امتیاز: شهرداری قزوین

مدیرمسئول: عادلّه مهرایی

سر‌دبیر: مریم جواهران

صفحه آرای و گرافیک: محمد (مرتضی) ملاعلیا

پیام شهر قزوین

سه شنبه یکم اردیبهشت ۱۴۰۰ | ۸رمضان ۱۴۴۲ | شماره ۳۶۵

باعث رخدادهای مهمی شده. امیر کبیر فقط سه سال و نیم وزیر ناصرالدین شاه بود. شهید رجایی زمان کوتاهی پشت میز ریاست جمهوری نشست، آدم‌هایی که به صندلی ریاست جمهوری موبت دادند. نمی‌خواهم درباره عملکردشان حرف بزنم، مهم مردم هستند که امید به آینده در آنها زنده است.

خیابان پاستور دریاچه عمیق دربارۀ یک رئیس‌جمهور در آینده است که می‌تواند، ایران را آبادتر کند.

- فکر می‌کنی مهم‌ترین مساله نویسندگی‌که نویسنده باید به آن بپردازد، چیست؟**
به‌نظرم برای هر کسی این موضوع فرق می‌کند. مثلا شاید برای من به عنوان یک زن دغدغه نباشد که به ورزشگاه بروم و بازی فوتبال را از نزدیک ببینم؛ اما اگر سوژه من درباره دختری باشد که به خاطر این علاقه خودشوزی می‌کنه حتما، البته نه با یک نگاه مستقیم، با یک دیدگاه دیگر از یک زاویه دیگر به آن خواهم پرداخت و شاید هیچ وقت مستقیم به اصل موضوع اشاره نکنم، عوامل مهم و تصمیمات غرض‌ورزانه زیادی گرفته‌شده تا رسید به اینجا. بعد نوشتن در این باره شروع می‌شود. من سوژه‌های اجتماعی را دوست دارم و برایم دغدغه است.

- چه موانعی برای نوشتن وجود دارد؟**

کاملاً طبیعی هست که یک نویسنده، ذهنش قفل کند. ممکن است نویسنده درباره آن سوژه اطلاعات کافی نداشته باشد. متأسفانه الان، گوگل شاید من نوعی رو تنبل کرده باشد. اما مهم است اول اطلاعات لازم به‌دست بیاید. من تا ندانم مردم چه طور حرف می‌زنند، چطور باید درباره آنها بنویسم، به حرف آدم‌هایی که از کارم رد می‌شوند؛ گوش می‌دهم. زمانی می‌رفتم دادسرا

یا دادگستری به آدم‌ها نگاه می‌کردم. چند دادگاه علنی را از نزدیک دیدم و بعد توانستم بفهمم روند شکل‌گیری دادگاه‌چطور است. هر وقت واقعا ندانم اطلاعاتی که دارم، چطور کنار هم قرار بدهم. مدتی نوشتن را کنار می‌گذارم، موزیک گوش می‌دهم، فیلم می‌بینم، داستان، فیلمنامه یا نمایشنامه می‌خوانم. شعر می‌خوانم. و بعد دوباره نوشتن را شروع می‌کنم.

وقتی بدانم سوژه من در چه ظرفی قرار است ریخته شود، سعی می‌کنم طبق تجربیاتم، ساختار مناسب پیدا کنم. گاهی نوشتن واقعا هر چقدر هم ذهن خسته باشد؛ حالم را خوب می‌کند.

به‌نظرم اگه ایده اولیه خوب پرورش پیدا کند و بعد طرح درست در ذهن شکل بگیرد، گام‌های مهم اولیه برداشته شده‌است.

شاید یکی از موانع سر راه همه نویسنده‌ها این باشد که انگار هنوز خیلی‌ها نمی‌دانند، نویسندگی شغل یک نفر و منبع درآمدش است و خیلی بد است یک نویسنده بشوند، شما نویسنده‌ها پول می‌خواهید چه کار!!

- در نمایشنامه بیشتر سراغ چه موضوعاتی می‌روی؟**

سوژه‌ها و ایده‌ها هستند که به من می‌گویند این موضوع در چه ظرفی ریخته شود. من به شخصیت‌های شاهنامه علاقه دارم، برای همین یکی را انتخاب می‌کنم که درباره‌اش بنویسم، مثل سیاوش.

من وقتی بخواهم نمایشنامه بنویسم به این فکر می‌کنم کدام قسمت از زندگی این فرد بار دراماتیک بیشتری دارد. حتی نگاهی به اساطیر این طوری است. وقایعی هستند که شناخته شده نیستند، اما به قدری جذابیت دارند که وقتی می‌نویسی این تو نیستی که کلمات را اداره می‌کنی، جملات هستند که تو را رهبری می‌کنند.

برگزیده داستان‌های کوتاه استان قزوین

حسن لطفی، منصور خادم الشرعیه سامانی
ناشر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی
استان قزوین / چاپ اول /۱۳۸۳/ هزار نسخه -/ ۲۰۱۰ صفحه

اولین برگزیده رسمی داستان کوتاه در استان قزوین که توسط متولی رسمی فرهنگ و هنر و در پی فراخوان در سطح استان و از میان ۱۲۰ داستان کوتاه رسیده انتخاب شده و به چاپ رسیده است. در دو مقدمه کوتاه گردآورندگان، علاوه بر بررسی ماهیت داستان و قصه‌نویسی، مروری بسیار تند و گذرا بر جریان داستان‌نویسی در شهر قزوین ارائه شده‌است که اطلاعات‌ذی‌قیمت اما مختصر و ناتمامی ارائه می‌دهد. ۲۸ داستان کوتاه در این مجموعه از نویسندگان قزوینی؛ محسن اعتصامی، ناصر ایزدفر، محمد باغبان‌آقایبی، ارژنگ تورانی، رامین جهانپور محمدحسینی، منصور خادم‌الشریعه سامانی، مهدی خلیلی، منوچهر رضایی، پروانه زاینیان، فاطمه شریف‌نژاد، یوسف علیخانی، محسن فرجی، علی قانع، حسن لطفی، فریا معافی غفساری و جعفر نصیری شهرکی منتشر شده‌است.

استاسی نویسندگان و داستان‌های آنها به ترتیب حروف الفبا کنار هم قرار گرفته‌اند. زندگینامه مختصری از نویسندگان حاضر در این مجموعه هم در ابتدای داستان‌ها به چشم می‌خورد. حجم اکثر داستان‌ها کمتر از ۳۰۰۰ کلمه بوده و فضای داستان نویسی نویسندگان قزوینی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ را به خوبی به تصویر می‌کشد. این مجموعه، نخستین برگزیده آثار داستان نویسان قزوینی پس از انقلاب بوده و در فهرست تولیدات ادبی معاصر قزوین، جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده‌است.

استفاده از برنامه و الگوی کار و روش‌های نوین مدیریت شهری است که برپایه تحقیق و پژوهش و آمار واقعی و کاربردی، تهیه شده‌باشد. پژوهشکده‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز هنری بسیاری در این زمینه‌ها مشغول فعالیت هستند که قبل از اتخاذ هر تصمیم مدیریتی و عملیاتی، می‌شود با آن‌ها به‌مشورت نشست و اززیبایی آن‌ها را شنید.

انجمن توسعه هنرهای تجسمی استان قزوین یکی از معدود نهادهای مردمی متولی این موضوع است که بیش از یک سال است کارگروه تخصصی ویژه‌ای به نام «کانون هنرمندان هنرهای شهری» را راه‌اندازی کرده‌است. در این کارگروه هنرمندانی از گروه‌های مختلف نظیر نقاشی دیواری، ساخت‌وساز، هنر چیدمان، مجسمه و حجم‌سازی، طراحی و اجرای کتیبه و... کنار هم حضور دارند که توانایی تحقیق و پژوهش و تولید کانسبت‌ها و ایده‌های خلاقه بسیاری دارند. کانون هنرهای شهری می‌تواند مستقلا با سازمان‌ها و نهادهای مختلف وارد مذاکره و مشورت شود و کار تخصصی در رابطه با معرفی هنرمندان طراح و متخصص در زمینه‌های مورد نیاز را به این سازمان‌ها انجام دهد و این کانون آمادگی همکاری و مشارکت در پروژه‌های مربوط به این موضوع را دارد و البته در گذشته نیز ظرف این مشورت با سازمان زیباسازی قرار داشته، امامتدی است این همکاری دوجانبه کم‌رنگ‌تر از گذشته شده‌است.

مجید کاظمی در بررسی مشکلات و اشکالات منظر شهری به چند نکته اشاره می‌کند: اول هنر و ساخت و ایجاد فضای فرهنگی هزینه‌ساز است و با ذهنیت صرفه‌جویی حاکم بر شهر قزوین سنخیت ندارد. کار در زمینه هنر، پیمانکاری نیست و اختصاص بودجه در این حوزه را توجه به مشاوره با نهادهای متخصص باعث سیاست‌گذاری مناسب می‌شود.

دوم سیاست‌گذاری در شهر قزوین در اتاقی درسته بوسامدیرانی محافظه‌کار اتفاق می‌افتد که اهداف جناحی‌شان باعث می‌شو قوانین به نفع اشخاص دور زده شود.

سوم- تمامی کارشناسان دریک سازمان و در شهرداری جمع نشده‌اند. این کارشناسان در اداره ارشاد، حوزه هنری، آموزش و پرورش، زیباسازی شهرداری، سازمان فرهنگی شهرداری، نظام‌مهندسی (که خود از

باران رحمت

پیامبر اکرم(ص):

شیطان پیوسته از فرزندان آدم در وحشت و هراس است تا آنگاه که نمازشایش را به دقت و با شرایطو آداب می‌خواند. پس اگر نماز را ضایع نموده (و در وقت مقرر آن به جا نیاورد)، شیطان بر او چیره می‌شود و او را در گناهان کبیره می‌اندازد و وی را گرفتارمی‌کند.

(بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲)

هنر شهر



برگزیده داستان‌های کوتاه استان قزوین

حسن لطفی، منصور خادم الشرعیه سامانی
ناشر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی
استان قزوین / چاپ اول /۱۳۸۳/ هزار نسخه -/ ۲۰۱۰ صفحه

اولین برگزیده رسمی داستان کوتاه در استان قزوین که توسط متولی رسمی فرهنگ و هنر و در پی فراخوان در سطح استان و از میان ۱۲۰ داستان کوتاه رسیده انتخاب شده و به چاپ رسیده است. در دو مقدمه کوتاه گردآورندگان، علاوه بر بررسی ماهیت داستان و قصه‌نویسی، مروری بسیار تند و گذرا بر جریان داستان‌نویسی در شهر قزوین ارائه شده‌است که اطلاعات‌ذی‌قیمت اما مختصر و ناتمامی ارائه می‌دهد. ۲۸ داستان کوتاه در این مجموعه از نویسندگان قزوینی؛ محسن اعتصامی، ناصر ایزدفر، محمد باغبان‌آقایبی، ارژنگ تورانی، رامین جهانپور محمدحسینی، منصور خادم‌الشریعه سامانی، مهدی خلیلی، منوچهر رضایی، پروانه زاینیان، فاطمه شریف‌نژاد، یوسف علیخانی، محسن فرجی، علی قانع، حسن لطفی، فریا معافی غفساری و جعفر نصیری شهرکی منتشر شده‌است.

استاسی نویسندگان و داستان‌های آنها به ترتیب حروف الفبا کنار هم قرار گرفته‌اند. زندگینامه مختصری از نویسندگان حاضر در این مجموعه هم در ابتدای داستان‌ها به چشم می‌خورد. حجم اکثر داستان‌ها کمتر از ۳۰۰۰ کلمه بوده و فضای داستان نویسی نویسندگان قزوینی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ را به خوبی به تصویر می‌کشد. این مجموعه، نخستین برگزیده آثار داستان نویسان قزوینی پس از انقلاب بوده و در فهرست تولیدات ادبی معاصر قزوین، جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده‌است.

استفاده از برنامه و الگوی کار و روش‌های نوین مدیریت شهری است که برپایه تحقیق و پژوهش و آمار واقعی و کاربردی، تهیه شده‌باشد. پژوهشکده‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز هنری بسیاری در این زمینه‌ها مشغول فعالیت هستند که قبل از اتخاذ هر تصمیم مدیریتی و عملیاتی، می‌شود با آن‌ها به‌مشورت نشست و اززیبایی آن‌ها را شنید.

انجمن توسعه هنرهای تجسمی استان قزوین یکی از معدود نهادهای مردمی متولی این موضوع است که بیش از یک سال است کارگروه تخصصی ویژه‌ای به نام «کانون هنرمندان هنرهای شهری» را راه‌اندازی کرده‌است. در این کارگروه هنرمندانی از گروه‌های مختلف نظیر نقاشی دیواری، ساخت‌وساز، هنر چیدمان، مجسمه و حجم‌سازی، طراحی و اجرای کتیبه و... کنار هم حضور دارند که توانایی تحقیق و پژوهش و تولید کانسبت‌ها و ایده‌های خلاقه بسیاری دارند. کانون هنرهای شهری می‌تواند مستقلا با سازمان‌ها و نهادهای مختلف وارد مذاکره و مشورت شود و کار تخصصی در رابطه با معرفی هنرمندان طراح و متخصص در زمینه‌های مورد نیاز را به این سازمان‌ها انجام دهد و این کانون آمادگی همکاری و مشارکت در پروژه‌های مربوط به این موضوع را دارد و البته در گذشته نیز ظرف این مشورت با سازمان زیباسازی قرار داشته، امامتدی است این همکاری دوجانبه کم‌رنگ‌تر از گذشته شده‌است.

مجید کاظمی در بررسی مشکلات و اشکالات منظر شهری به چند نکته اشاره می‌کند: اول هنر و ساخت و ایجاد فضای فرهنگی هزینه‌ساز است و با ذهنیت صرفه‌جویی حاکم بر شهر قزوین سنخیت ندارد. کار در زمینه هنر، پیمانکاری نیست و اختصاص بودجه در این حوزه را توجه به مشاوره با نهادهای متخصص باعث سیاست‌گذاری مناسب می‌شود.

دوم سیاست‌گذاری در شهر قزوین در اتاقی درسته بوسامدیرانی محافظه‌کار اتفاق می‌افتد که اهداف جناحی‌شان باعث می‌شو قوانین به نفع اشخاص دور زده شود.

سوم- تمامی کارشناسان دریک سازمان و در شهرداری جمع نشده‌اند. این کارشناسان در اداره ارشاد، حوزه هنری، آموزش و پرورش، زیباسازی شهرداری، سازمان فرهنگی شهرداری، نظام‌مهندسی (که خود از